

لیلای من، لیلای زینبا،
 از دختر بابوش دانا!
 وقتی تو بیدی چار سالم،
 آواز می خواندی برایم.
 قسمت ز مادر می دادی خسته،
 از قصه و سحر؟
 رقص تو، روی میز خانه،
 با آن ادای کودکانه،
 وه، که چه مادر آفرین بود.
 لیلای چو قوچی دلنشین بود.
 لیلای گل بوزور نوساد،
 از راه آبیای کنی یاد؟
 بنویس یک نامه برای من
 برگونه کت، بوبه آفرین

لیلای
 ۱۲ مهرماه ۱۳۵۱
 ندرک